

هنر فرهنگستان پژوهشنامه

فصلنامه ، دوره دوم ، سال اول ، شماره ۲

محمد شهباز - ابوالحسن درخشنده / ویژگی‌های سوررئالیسم جدید در سینما :
با نگاهی به آثار دیوید لینچ

علی عباسی / بررسی سازوکار ساختار روایی «شاهرخ»: تجلی اسطوره فرهنگی «خر»

مهرداد قیومی بیدهندی - مطهره دانایی فر / مفهوم نقد معماری: سیر تاریخی و گونه‌ها

علی اصغر میرزایی مهر / نقد دیدگاه‌های هنرپژوهان درباره هنر قاجار طی سده‌های
۱۳ تا ۱۵ هجری (با تاکید بر هنر نقاشی)

کیوان خلیل نژاد / بازخوانی تصویر هنر مدرن در مطبوعات دهه‌های سی و چهل

بهمن نامور مطلق - لیلا عیسوند / مطالعه ترامنتی قربانی کردن ابراهیم:
نقاشی‌های رامبراند و فرشچیان

۲

تابستان ۱۳۹۸

هنر
فرهنگستان
پژوهشنامه

پژوهشنامه فرهنگستان هنر

فصلنامه، دوره دوم، شماره ۲

(شماره پیاپی ۱۷)، تابستان ۱۳۹۸

شاپا: ISSN ۱۷۳۵-۷۸۹۶

دارای اعتبار علمی پژوهشی از نظر

فرهنگستان‌های چهارگانه جمهوری اسلامی ایران

مترجم خلاصه انگلیسی: سیدحسین (ایرج) معینی

طراح نشانه و جلد: جواد پویان

طراح و صفحه‌آرا: ونوس وحدت

ویراستار: مهدی موحد

چاپ: چاپخانه دیجیتال فرهنگستان هنر

نشانی دفتر مجله: تهران خیابان ولی‌عصر، تقاطع طالقانی،

شماره ۱۵۵۲، فرهنگستان هنر، طبقه ششم

تلفن: ۵ - ۶۶۹۵۴۲۰۰

نمبر: ۶۶۹۵۱۱۶۷

www.honar.ac.ir

سایت اینترنتی:

pazhouhesh@honar.ac.ir

پست الکترونیک:

صاحب امتیاز: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران

مدیر مسئول و سردبیر: دکتر بهمن نامور مطلق

دبیر تحریریه: منیژه کنگرانی

شورای تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

دکتر حسن بلخاری / استاد دانشگاه تهران

دکتر شهرام بازوکی / دانشیار مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

دکتر پروین پرتوی / استاد دانشگاه هنر

مهدی حسینی / استاد دانشگاه هنر

دکتر حمیدرضا شعیری / استاد دانشگاه تربیت مدرس

دکتر علی عباسی / استاد دانشگاه شهید بهشتی

دکتر محمود عزیزی / استاد دانشگاه تهران

دکتر مهدی محمدزاده / دانشیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز

- مقالات در قالب علمی - پژوهشی و در موضوعات نقد و نظریه‌های هنر و پژوهش هنر در فصلنامه منتشر می‌شوند.
 - مقالات باید حاصل تحقیق نویسنده یا نویسندگان باشد. مقاله ارسالی نباید پیش از این در هیچ نشریه‌ای به چاپ رسیده باشد و یا همزمان به نشریات دیگر ارائه شده باشند.
 - مقاله باید شامل چکیده، کلیدواژه‌ها (بین ۵ - ۷ کلمه)، چارچوب نظری، مقدمه، روش تحقیق، پیشینه تحقیق و یافته‌های تحقیق، نتیجه‌گیری، پی‌نوشت‌ها و فهرست منابع باشد.
 - عنوان مقاله باید کوتاه، گویا و بیان‌کننده محتویات آن باشد.
 - مقدمه ارائه‌کننده مسئله، هدف تحقیق و معرفی کلی مقاله است.
 - چکیده مقاله (به فارسی و انگلیسی) حداکثر در ۱۵۰ کلمه، شامل خلاصه‌ای از موضوع مقاله، بیان مسئله، هدف، روش پژوهش، یافته‌های مهم و نتیجه تحقیق باشد.
 - نتیجه، باید به‌گونه‌ای منطقی و مفید، روشن‌کننده بحث و حاصل یافته‌های تحقیق باشد.
 - پی‌نوشت‌های مقاله (اصطلاحات و برابرهای واژه‌ها، توضیحات و غیره) باید در متن به ترتیب شماره‌گذاری شده و در پایان مقاله و پیش از فهرست منابع با نام «پی‌نوشت‌ها» گنجانده شوند.
 - ارجاعات درون‌متنی شامل نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار و شماره صفحه پس از نقل مطلب در داخل پرانتز می‌آید.
 - عکس‌ها، نگاره‌ها، جدول‌ها و غیره با کیفیت مناسب تهیه و همراه با منابع ارائه شوند.
 - چنانچه مقاله دارای چند نویسنده باشد، مسئولیت ارائه مقاله و تمام مکاتبات با نویسنده اول است. در غیر این صورت باید یکی از نویسندگان به‌عنوان نویسنده مسئول به دفتر فصلنامه معرفی شود.
 - مسئولیت صحت مطالب علمی با نویسنده / نویسندگان است.
- روش تنظیم منابع:
- فهرست منابع در پایان مقاله و در صفحه‌ای جداگانه، بر اساس حروف الفبا (نام خانوادگی) به ترتیب زیر تنظیم شود.
 - کتاب: نام خانوادگی، نام. (سال انتشار)، عنوان کتاب؛ نام مترجم / مصحح، شماره جلد، نوبت چاپ، محل نشر: ناشر.
 - کتاب ترجمه شده: نام خانوادگی، نام. (سال انتشار)، عنوان کتاب، نام مترجم، محل نشر، ناشر.
 - مقاله: نام خانوادگی، نام. (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، نام مجله، شماره مجله. در مقاله ترجمه شده، نام مترجم بعد از عنوان مقاله و پس از ویرگول می‌آید.
 - در صورتیکه مقاله در یک کنفرانس ارائه شده باشد: نام خانوادگی، نام. (سال برگزاری کنفرانس)، «عنوان مقاله»، نام کنفرانس، محل برگزاری کنفرانس، تاریخ برگزاری کنفرانس.
 - پایان‌نامه: نام خانوادگی، نام، «عنوان پایان‌نامه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری، رشته، دانشکده، دانشگاه، سال دفاع.
 - منابع الکترونیکی: نام خانوادگی، نام. (تاریخ مطلب)، «عنوان مقاله»، نشانی کامل سایت: تاریخ دریافت مطلب.
 - در صورت عدم تعیین برخی مشخصات: از الفاظ [بیجا]، یعنی بدون محل نشر، [بینا]، به معنی بدون ناشر و [بیتا] به معنی بدون تاریخ انتشار، استفاده شود.
 - منابع لاتین: به همان ترتیب منابع فارسی و عربی تنظیم می‌شوند و پس از منابع فارسی و عربی می‌آیند.

فهرست

- محمد شهباءابوالحسن درخشنده / ویژگی‌های سوررئالیسم جدید در سینما: با نگاهی به آثار دیوید لینچ ۷
- علی عباسی / بررسی سازوکار ساختار روایی «شاه‌رخ»: تجلی اسطوره فرهنگ «خر» ۳۱
- مهرداد قیومی بیدهندی - مطهره دانایی‌فر / مفهوم نقد معماری: سیر تاریخی و گونه‌ها ۵۱
- علی‌اصغر میرزایی‌مهر / نقد دیدگاه‌های هنرپژوهان درباره هنر قاجار طی سده‌های ۱۳ تا ۱۵ هجری (با تأکید بر هنر نقاشی) ۷۳
- کیوان خلیل‌نژاد / بازخوانی تصویر هنر مدرن در مطبوعات دهه‌های سی و چهل ۸۷
- بهمن نامورمطلق - لیلا عیسوند / مطالعه ترامنتی قربانی کردن ابراهیم؛ نقاشی‌های رامبراند و فرشچیان ۱۰۱

مفهوم نقد معماری: سیر تاریخی و گونه‌ها

مهرداد قیومی بیدهندي، دانشيار، دانشكده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

m-qayyoomi@sbu.ac.ir

مطهره دانایی فر، دانشجوی دکتری، دانشكده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

m_danaeifar@sbu.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۲/۰۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۰۳/۲۵

در این مقاله، سیر تاریخی مفهوم نقد معماری در مغرب‌زمین در سه برهه اصلی، بررسی می‌شود: پیدایی نقد معماری: عصر روشنگری؛ بالیدن نقد معماری؛ شکوفایی و افول نقد معماری. در این بررسی، نشان داده می‌شود که نقد معماری در دل تاریخ و نقد هنر در فرانسه زاده شد و در آغاز شامل توصیف مفصل و مصور تک‌اثرهای شاخص برای دانشجویان بود. سپس تعمیم دانش و پرورش ذوق عمومی درباره معماری را هدف خود اختیار کرد. در طی دهه‌ها، نقد معماری گاه در خدمت سرمایه‌داری و منافع صنعت ساختمان قرار گرفت و گاه به کنشگری اجتماعی بدل شد و در خدمت مبارزات اجتماعی و سیاسی درآمد. با ظهور نقد دانشگاهی در امریکا، نقد معماری از اساس دگرگون شد و به سخنی نظری درباره نقد بدل گردید و نقد حرفه‌ای به انحطاط افتاد. این تحقیق با تکیه بر منابع ثانویه ذیربط، با رویکرد تاریخ مفهومی و روش بررسی اسنادی انجام گرفته است.

واژگان کلیدی

تاریخ نقد معماری، تاریخ مفهومی معماری، نشریات معماری.

به‌رغم آنکه نظام آموزشی جدید معماری در ایران، هشتاد سال سابقه دارد و بیش از هفتاد سال از انتشار نخستین نشریات و کتاب‌های معماری به زبان فارسی می‌گذرد^۱، میدان نقد معماری در ایران همچنان خالی است. آنچه به نام نقد معماری در مراکز آموزش عالی معماری می‌آموزند، در بهترین حالت، چیزی بیش از آموزش سواد بصری معماری در فهم ساختار کالبدی طرح نیست. آنچه هم در نشریات معماری به نام نقد و مانند آن منتشر می‌شود، گزارش‌های تبلیغاتی برای برخی از معماران در جهت بازار کار یا ایجاد شهرت کاذب برای برخی از معماران است. سخن ناقدانه درباره‌ی معماری در شبکه‌های اجتماعی، معمولاً وضعی بدتر از اینها دارد. آسیب‌شناسی نقد معماری، موضوع مقاله حاضر نیست و خود نیازمند پژوهش‌هایی دیگر است. در اینجا این قدر می‌توان حدس زد که بحران نقد معماری در ایران، گذشته از تأثر از بحران جهانی نقد معماری، ناشی از جهل به تاریخ نقد معماری است. نقد معماری چیزی نیست که این مدرس و آن معمار می‌خواهد و دوست می‌دارد؛ بلکه آن چیزی است که در جهان، تحقق یافته و نقد معماری نام گرفته است. تغییر پارادایم‌های نقد بدون وقوف بر پارادایم‌های مسلط، و حتی بدون ورود در آنها، ممکن نیست. شناخت نقد معماری آن‌چنان که در جهان

تحقق یافته است، به معنای شناخت تاریخ نقد معماری است. با عنایت به اینکه منبعی مدون در خصوص تاریخ نقد معماری در مغرب‌زمین در دست نیست، در این مقاله می‌کوشیم مقدمات لازم برای تدوین چنین تاریخی را به‌اجمال فراهم آوریم. رویکرد این پژوهش، تاریخ مفهومی و روش آن بررسی اسنادی است.

در متون معماری، از «نقد معماری» معانی گوناگونی مراد کرده‌اند؛ از هر نوع واکنش کلامی یا رفتاری به محیط مصنوع یا اظهار هر نظری درباره‌ی اثر معماری گرفته تا ارزیابی اثر معماری و ارزش‌داوری آن. نقد معماری در طی زمان، و در مکان‌های گوناگون و با زبان‌های مختلف در مغرب‌زمین، در هر گاه و هر جا حامل برخی از این معانی بوده است. فهم این معانی نیازمند بررسی سیر دگرگونی نقد معماری و بازشناسی تاریخی آن است. برای این منظور، باید مبدأ زمانی نقد معماری (به معنای مدرن آن)، ناقدان سرشناس، مخاطبان نقد، محیط‌های نقد، رسانه‌های نقد، و انواع پایگاه‌های نقد معماری را بررسی و شناسایی کرد. منظور از نقد معماری در این مقاله، همان چیزی است که در دوران جدید، «نقد معماری»^۲ خوانده‌اند؛ یعنی آنچه ناقدان معماری درباره‌ی بناها و طرح‌های معماری نوشته و در کتاب‌ها و نشریات تخصصی منتشر کرده‌اند. سخن درباره‌ی مبانی نظری نقد و روش‌شناسی آن در دامنه‌ی این مقاله نیست.

2. architectural critique/critique architecturale

۱. نخستین نشریه تخصصی معماری در ایران، *آرشیکتکت* است که انتشار آن در سال ۱۳۲۵ش/۱۹۴۷م آغاز شد.

پیش از این، پیتر کالینز^۳ در فصلی از *دگرگونی آرمان‌ها* در *معماری مدرن* (۱۹۶۷)، به تاریخ مختصر نقد پرداخته (Collins, 1971)؛ اما اقسام نقد را روشن نکرده است. فرنک جنکینز^۴ در مقاله «پاینده‌های معماری در سده نوزدهم» (۱۹۶۸)، در ضمن بررسی مطبوعات معماری ننگلستان در آن سده، به نقد نیز توجه کرده است (Jenkins, 1968). سوزان استیونز^۵ در مقاله «ارزیابی وضع نقد معماری در مطبوعات امروز»^۶ (۱۹۹۸)، به وضع نقد مطبوعاتی صرفاً در امریکای اواخر سده بیستم پرداخته است (استیونز، ۱۳۷۸). از همه متأخرتر، الن جنی‌پر^۷ در مقاله‌اش با عنوان «نقد معماری: تشخیص هدف مطالعه» (۲۰۱۰)، از علت سترون شدن نقد معماری پرسیده و از تفاوت نقد در فرانسه و امریکا و ایتالیا سخن گفته (Jannièrè, 2010)؛ اما به این تفاوت‌ها و دگرگونی و سیر تاریخی نقد به تفصیل نپرداخته است. این مقاله ارزنده جنی‌پر، منبع ثانویه^۸ اصلی پژوهش حاضر در تشخیص منابع اولیه^۹ نقد است.

در این مقاله، با بررسی منابع مربوط به نقد معماری در مغرب‌زمین، از هنگام آغاز نقد جدید معماری در سده هجدهم تا کنون، می‌کوشیم تصویری اجمالی از تاریخ نقد

3. Peter Collins
4. Frank Jenkins
5. Suzanne Stephens
6. "Assessing the State of Architectural Criticism in Today's Press"
7. Hélène Jannièrè
8. secondary source
9. primary sources

نوشتاری معماری به دست دهیم. برای جامعیت بیشتر، در این بررسی به منابع زبان انگلیسی محدود نبوده‌ایم. منبع اصلی پژوهش حاضر، پژوهش‌هایی متفرق است که درباره منابع اولیه نقد معماری انجام گرفته است.

در قاموس‌های فارسی، «نقد» را جدا کردن خوب و سره از بد و ناسره و تشخیص معایب و محاسن چیزی (از جمله اثر ادبی) دانسته‌اند.^{۱۰} در قاموس‌های انگلیسی، فرانسه و آلمانی نیز همین معنا را ذیل واژه‌های *کریتی‌سایز*^{۱۱} و *کریتیکه*^{۱۲} و *کریتی‌زیرن*^{۱۳} آورده‌اند. با چنین معنای فراخی از نقد، نقد معماری سابقه‌ای به اندازه خود معماری دارد؛ زیرا از همان هنگام‌باز که انسان، مکانی را برای زندگی خود برگزیده و هموار آماده کرده یا ساخته، اندیشیدن و سخن گفتن درباره آن مکان، و خوب و بد آن هم پیش آمده است. اما نوشتن متنی به قصد سنجیدن آثار معماری و انتشار آن، امری مدرن است که در اروپای سده هجدهم

۱۰. نک: دهخدا و معین، ذیل «نقد».

11. criticize: "to consider the merits and demerits of and judge accordingly: evaluate" (*Merriam-Webster Online Dictionary*)

12. critiquer: "Porter sur quelqu'un, quelque chose un jugement défavorable en en faisant ressortir les défauts, les erreurs, etc.; blâmer, désapprouver, censurer, condamner: Se faire critiquer pour sa négligence. Porter sur une œuvre littéraire ou artistique un jugement, l'examiner en détail, en faire la critique" (*Larousse dictionnaire en ligne*)

13. kritisieren: "fachlich beurteilen, besprechen. mit einer Person oder Sache nicht einverstanden sein, weil sie bestimmten Maßstäben nicht entspricht, und dies in tadelnden Worten zum Ausdruck bringen" (*Duden Online Wörterbuch*)

پیدا شد. در مقاله حاضر، به این صورت از نقد بسنده می‌کنیم و به صورت دیگر آن - از قبیل نقدهای شفاهی در حین آموزش معماری یا در جلسات طراحان در دفترهای معماری یا در دفاع از طرح در نزد کارفرما - نمی‌پردازیم. با این همه، این را نیز نباید از یاد برد که نقد معماری در همان بدایت پیدایی‌اش نیز با دیگر اقسام نوشته درباره معماری مرزی قاطع نداشت. نقد معماری، به‌ویژه در آغاز راه، با تاریخ و تئوری معماری آمیخته و در دل تاریخ معماری بود و مورخان معماری در بیان سیر تاریخی معماری، به ارزیابی آثار معماری نیز می‌پرداختند.

خواهیم دید که نقد معماری رفته‌رفته مطبوعات را محملی مناسب برای خود یافت و از تاریخ‌نامه‌های معماری به مطبوعات معماری کوچید. بدین ترتیب، در سیر تاریخی نقد، شاخه‌ای از نقد همچنان در تاریخ معماری ماند و شاخه‌ای دیگر از آن از مطبوعات سر برآورد و در آنجا بالید. تاریخ نقد معماری و گونه‌ها و دگرگونی‌های آن را در سه برهه بررسی می‌کنیم: پیدایی نقد معماری: عصر روشنگری؛ بالیدن نقد معماری؛ شکوفایی و افول نقد معماری. به برهه آخر، که موقعیت کنونی ماست، با تفصیل بیشتری خواهیم پرداخت.

نخستین نوشته‌ای که آن را نقد معماری، مستقل از تاریخ‌نامه‌های معماری

و سیره‌نامه‌های معماران، شمرده‌اند، کتاب چهارجلدی *معماری فرانسوی*،^{۱۴} نوشته ژاک-فرانسوا بلوندل^{۱۵} (۱۷۰۵-۱۷۷۴) است (Collins, 1965: 1). او پایه‌گذار و مدرس نخستین مدرسه خصوصی معماری فرانسه (اکول دزار)^{۱۶} بود؛ دانشجویان خود را در پاریس و حومه آن به دیدار بناها می‌برد و از حسن و عیب آنها می‌گفت. کتاب یادشده نتیجه این نظرها و سخن‌هاست (کالینز، ۱۳۷۵: ۳۱۸) و مخاطب آن، دانشجویان معماری‌اند. هر جلد از کتاب به بناهای مهم یکی از محلات اصلی پاریس اختصاص دارد. قطع کتاب رحلی است و حاوی پانصد لوح از اقسام نقشه معماری است.

بلوندل کتاب دیگری هم دارد با عنوان *درس یا رساله‌ای در معماری، درباره تزیین و سامان‌دهی و احداث بناها، شامل دروسی که در سال ۱۷۵۰ و پس از آن عرضه شده است*.^{۱۷} این کتاب دوازده‌جلدی را جامع‌ترین پیکره آموزش و مطول‌ترین نوشته معماری تا آن زمان (Kruft, 1994: 148) و نیز مهم‌ترین کتاب نقد معماری

14. Architecture Française

15. Jacques-François Blondel

16. École des Arts

17. Cours d'architecture ou traité de la décoration, distribution et constructions des bâtiments contenant les leçons données en 1750, et les années suivantes

(Forty, 2004: 68) خوانده‌اند. کتاب، حاوی متن ویراسته‌ی درس‌گفتارهای نویسنده است و هر دو جلد در میان، یک جلد آن به تصاویر اختصاص دارد. البته در آن روزگار، این‌گونه نوشته را نقد نمی‌خواندند.

سربرآوردن نقد معماری در این برهه، از تحولات نقد هنر، از جمله نوشته‌های دنی دیدرو^{۱۸} درباره آثار نمایشگاه‌های فرهنگستان سلطنتی نقاشی و مجسمه‌سازی فرانسه در *مجله سالن*^{۱۹} (۱۷۵۹-۱۷۸۱)، متأثر بود؛ اما نقد معماری رفته‌رفته از نقد نقاشی به شیوه فرانسوی فاصله گرفت (Devillard & Jannièrè). با ظهور نشریات تخصصی معماری در سده هجدهم، نقد معماری محملی تازه یافت.

سابقه نشریات، به معنای امروزی آن، به اوایل سده هجدهم در آلمان و بلژیک، و سپس انگلستان و فرانسه می‌رسد. فراگیری مطبوعات از یک سو متأثر از امکانات فنی و از سوی دیگر متأثر از پیشرفت شهرنشینی، رشد سواد و تحولات سیاسی جوامع بود (شکرخواه، ۱۳۹۰: ۱۵۹). به تدریج، هم بر شمارگان مطبوعات افزوده شد و هم نشریه‌های تخصصی پدید آمد و در اواخر سده هجدهم بود که نخستین نشریه‌های تخصصی معماری در اروپا - در آلمان و فرانسه و انگلستان - منتشر شد. نقد معماری که پیش از این در کتاب‌ها یا نشریات هنری و مهندسی منتشر می‌شد، رسانه‌ای اختصاصی

18. Denis Diderot (1713- 1784)

19. Salon

یافت (Saboya & Jannièrè).

نخستین نشریه تخصصی معماری در سال ۱۷۸۹ در آلمان منتشر شد. این *مجله آگمینس ماگاتسین فور دی بورگرلیشه باوکونست*^{۲۰} (مجله عمومی برای معماری شهری) نام داشت و پایه‌گذار آن یوهان گاتفرید هوت^{۲۱} (۱۷۶۲-۱۸۲۸) بود. هوت استاد فیزیک و ریاضیات در فرانکفورت بود و هدفش از انتشار این مجله، ترویج دانش تخصصی معماری و پرورش آن از طریق تفکر درباره فنون ساختمان و تاریخ معماری و زیبایی‌شناسی بود (Ibid.). چنین هدفی، برآمده از آرمان‌های روشنگری برای گردآوری اطلاعات و عمومی کردن دانش بود؛ به نحوی که عموم مردم به دانش‌های تخصصی دسترسی داشته باشند (Philipp, 1997: 35). هوت معتقد بود که در بررسی معماری، باید هم به جنبه‌های فنی و اقتصادی و کالبدی بناها پرداخت، و هم جنبه‌های فلسفی و زیبایی‌شناختی آنها؛ یعنی به معماری هم به منزله حرفه نگریست و هم هنر (Ibid., 35). انتشار این مجله در ۱۷۹۶ متوقف شد.

یک سال بعد، فرهنگستان ساختمان برلین^{۲۲} مجله *زاملونگ نوئسلیشراؤفرتسه اوند ناخریشتن: دی باوکونست بترفند*^{۲۳} (مجموعه مقالات و اخبار مفید

20. Allgemeines Magazin für die Bürgerliche Baukunst

21. Johann Gottfried Huth

22. Berliner Bauakademie

23. Sammlung nützlicher Aufsätze und Nachrichten, die Baukunst betreffend

و با عنوان تازه *آنال دلارشیتکتور*^{۲۶} (سال نامه معماری) منتشر شد.

مهندسان، ادیبان، معماران، و هنرمندانی اغلب ناشناخته در هیئت تحریریه مجله جدید آنال حضور داشتند و آن را خطاب به «نقاشان، مجسمه‌سازان، معماران، مهندسان مکانیک، پیمان‌کاران همه بخش‌های ساختمان» تهیه می‌کردند. با وجود این تنوع، سردبیر مجله از مباحث آموزش حرفه معماری چشم‌پوشی نمی‌کرد (Ibid.). تعداد الواح چوبی که برای حکاکی و چاپ تصاویر از آن استفاده می‌کردند، کم و کیفیت تصاویر متوسط بود. مجله به جای تصویر، بر نوشتار تکیه داشت؛ از جمله بر مکاتبات بسیار میان خوانندگان و گردانندگان مجله. رونق مکاتبات موجب می‌شد که محتوای مجله متنوع و لحن بیشتر مقاله‌های آن سرزنده و جدلی باشد (Ibid.). مطبوعات تخصصی انگلیسی‌زبان چند دهه دیرتر پدید آمد. اولین مجله، *آرکیتهچرال مگزین*^{۲۷} (مجله معماری) بود^{۲۸} که آن را کلادیس لودن^{۲۹} در ۱۸۳۴ پایه‌گذاری کرد. اگرچه در آن هنگام، اوج حرارت عصر روشنگری فروکش کرده بود، لودن کار خود را همچنان در ادامه کار دانش‌نامه‌ها می‌دانست و در صدد بود تا ذوق عمومی را پرورد و تصویری خردپسندتر از حرفه معماری ارائه کند؛

26. Annales de l'architecture

27. The Architectural Magazine

۲۸. بعضی از محققان مجله *بیلدرز* (۱۷۷۰) را نخستین مجله معماری انگلیسی‌زبان می‌دانند؛ اما این نظر مخالفانی جدی دارد (Jenkins, 1968: 133).

29. John Claudius Loudon

درباره معماری) را در پیگیری اهداف هوت منتشر کرد. مطالعات تاریخی در این مجله به یونان باستان اختصاص داشت و در هر شماره از مجله، سه تا هشت تصویر به شیوه حکاکی روی مس چاپ می‌شد. این مجله نیز، متأثر از آرمان‌های عصر روشنگری و جو فکری اواخر سده هجدهم، در پی گردآوری گسترده دانش، تخصصی کردن حوزه‌های دانش، و در عین حال ترویج عمومی آن بود. انتشار مجله در ۱۸۰۶ متوقف شد (Ibid., 35). در آن زمان، جو کلی اندیشه و سخن معماری در آلمان در سیطره دو جریان معارض بود: یکی جریانی که بیشتر به جنبه‌های فنی معماری توجه داشت؛ و دیگری آن که معطوف به جنبه‌های هنری معماری بود. در میدان کشمکش این دو جریان بود که نخستین نشریات تخصصی معماری سر برآوردند (Ibid.). در پی ظهور نشریات معماری در آلمان اواخر سده هجدهم، در هنگامه تحویل قرن نیز نخستین مجلات معماری در فرانسه منتشر شد.

نخستین مجله تخصصی معماری فرانسه، *ژورنال دَبِتیمان سیویل/دِزار*^{۲۴} (مجله بناهای عمومی و هنرها)، را کمیل لوبار^{۲۵} در سال ۱۸۰۰ تأسیس کرد. مجله دو بار در هفته منتشر می‌شد و صفحه‌آرایی و قطع آن بیشتر به کتاب شباهت داشت تا به نشریه (Saboya & Jannièrè, n.d.). پس از ده سال، این مجله با مجله‌ای هنری ادغام شد

24. Journal des bâtimens civils et des arts

25. Camille Le Bars

معماری را رشته‌ای مناسب برای زنان بنماید و معماران جوان را به خواندن، نوشتن، اندیشیدن، نگریستن، و طراحی تشویق کند (Jenkins, 1968: 133). با چنین اهدافی، این مجله سه نوع مقاله داشت: مقاله‌هایی برای تربیت ذوق عموم و ترویج معماری؛ مقالاتی برای آشنا کردن عموم با عناصر معماری؛ مقاله‌هایی درباره جنبه‌های عملی معماری (Rowshan Bakhsh, 1998: 77). مثلاً موضوع مقالات شماره اول مجله چنین بود: وضع کنونی حرفه معمار و صنعت ساختمان در انگلستان؛ صورت‌های اولیه معماری کلاسیک؛ دستورالعملی برای انتخاب خانه (Jenkins, 1968: 155). از بررسی محتوای این مجله معلوم می‌شود که نخستین مجله انگلیسی‌زبان معماری، در قیاس با مجلات سال‌های بعد و از حیث محتوای تخصصی، سخت فقیر است؛ بیشتر مطالب آن سخنانی عمومی درباره بناهای تازه کلان‌شهرهاست و کمتر به نقد پرداخته است (Kindler, 1974: 32). با این حال، اگر آن را با زمانه خودش بسنجیم - که هزاران نفر اهل حرفه معماری در انگلستان، هیچ منبعی برای تغذیه فکری نداشتند - قدر و اهمیت شگفت آن روشن می‌شود (Jenkins, 1968: 157).

با اینکه مطبوعات تخصصی **۲. بالیدن نقد معماری** معماری در انگلستان دیرتر از آلمان و فرانسه پدید آمد، نوشته‌های اندیشمندان در نقد معماری در انگلستان زودتر از جاهای دیگر پیدا شد. بیشتر دانشوران جان

راسکین^{۳۰} (۱۸۱۹-۱۹۰۰)، ناقد برجسته هنر در سده نوزدهم، را از نخستین ناقدان معماری شمرده‌اند (Sharp, 2007: 30; Collins, 1967: 258). او در سال‌های ۱۸۷۰-۱۸۷۸ استاد هنرهای زیبای دانشگاه آکسفورد بود و علاوه بر هنر، درباره اقتصاد سیاسی و اجتماعی می‌نوشت. نثر او خود دارای ارزش ادبی بود و آن را از نمونه‌های برجسته نثر انگلیسی در آن روزگار می‌شمارند. از جمله نوشته‌های مهم او درباره معماری، کتاب هفت مشعل معماری^{۳۱} (۱۸۴۸) است. منظور او از مشعل‌های معماری در این کتاب، اصول معماری است. مدتی بعد، این کتاب را به تفصیل رساند و در کتابی سه‌جلدی به نام سنگ‌های ونیز^{۳۲} (۱۸۵۱) منتشر کرد. در این کتاب، جزئیات معماری بیزانس و گوتیک و رنسانس بیش از هشتاد کلیسا را وصف کرده است. گذشته از اینکه این کتاب از کتاب‌های مهم تئوری معماری است، سخنان او درباره بناها ناقدانه و همراه با سنجش و ارزیابی است و از نخستین نمونه‌های نقد است. نثر کتاب را ز زیباترین نوشته‌ها در ادبیات انگلیسی دانسته‌اند (Col-lins, 1967: 259). شاید به همین جهت باشد که نقد او را از قبیل نقد ادبی می‌دانند که در معماری تداوم نیافت (Devillard & Jannièrè)؛ زیرا او خود متن نقد را اثر هنری می‌شمرد. در نقدهای راسکین، اثر هنری در

30. John Ruskin

31. The Seven Lamps of Architecture

32. The Stones of Venice

نوشته هنرمندان «نقد» مستحیل می‌شود. اسکار وایلد^{۳۳} (۱۸۵۴-۱۹۰۰)، شاعر و نمایشنامه‌نویس ایرلندی و از شاگردان راسکین، این دیدگاه را در مقاله «نقد چون هنرمند» تبیین کرده است (Collins, 1967: 257). او می‌گوید مهم نیست که سخن راسکین درباره آثار هنری درست است یا نه؛ بلکه آنچه مهم است، نثر قوی و زیبای اوست که خود اثری هنری است؛ اثری مهم‌تر از تابلوهای نقاشی رنگ‌ورورفته موزه‌ها (اتو، ۱۳۹۴: ۱۴۸-۱۴۹). در این دیدگاه، معمار نیز هنرمندی است که اصل کار او امری شهودی است؛ امری دور از دسترس ارزیابی با روش‌های ارسطویی (Collins, 1971: 36). پیداست که در چنین دیدگاهی، جنبه‌های عملی و فنی معماری نادیده می‌ماند. به همین جهت، در همان روزگار نیز عده‌ای سخت مخالف این دیدگاه بودند و اندیشه‌های راسکین را فقط برای شعر سرودن درباره هنرهای تجسمی مناسب می‌شمردند (Collins, 1967: 259-260).

پایگاه نظری مخالفان راسکین خردباوری^{۳۴} بود که در پی انقلاب صنعتی و برگزاری نمایشگاه‌های سالیانه جهانی، در داوری درباره معماری بیش از هنر اثر کرده بود (کالینز، ۱۳۷۵: ۳۲۰). خردباوری علاوه بر انگلستان، در فرانسه نیز اندیشمندان برجسته‌ای داشت. برجسته‌ترین آنان اوژن امانوئل ویوله-لودوک^{۳۵} (۱۸۱۴-۱۸۷۹)،

33. Oscar Wilde

34. rationalism

35. Eugène Emmanuel Viollet-le-Duc

معمار و مرمتر و نظریه‌پرداز فرانسوی، است که برخی از نوشته‌های او را نمونه نقد خردباورانه معماری شمرده‌اند (Devillard & Jannièrè ; Collins, 1971: 36).

در نیمه دوم سده نوزدهم و اوایل سده بیستم، در جهان آلمانی‌زبان تحولاتی در تاریخ هنر رخ داد که مقدمات پیدایی نقد مدرن معماری را تمهید کرد. پیشگامان این تحولات یاکوپ بورکهارت^{۳۶} (۱۸۱۸-۱۸۹۷) و هاینریش ولفلین^{۳۷} (۱۸۶-۱۹۴۵) و آگوست اشمارزو^{۳۸} (۱۸۵۳-۱۹۳۶) بودند (Sharp, 2007: 30). ولفلین تاریخ‌نویسی هنر بر محور هنرمندان را، که از روزگار وازاری^{۳۹} (۱۵۱۱-۱۵۷۴) شیوه غالب در تاریخ‌نگاشت هنر بود، نقد کرد و اندیشه تاریخ هنر بدون نام کسان را پیش کشید (قیومی و گلدار، ۱۳۹۴: ۴). ولفلین بر مبنای مفاهیم دوگانه‌ای که در سبک‌شناسی پیش کشید، به مقایسه آثار هنر و معماری رنسانس و باروک پرداخت (ادمز، ۱۳۹۵: ۳۸ و ۴۲). همین نوشته‌های او را در زمره نقد مدرن معماری شمرده‌اند (Devillard & Jannièrè).

گفتیم که با پیدایی نخستین نشریات تخصصی معماری، نقد معماری نیز، علاوه بر کتاب، محملی دیگر برای ظهور یافت. با قوام گرفتن حرفه مدرن معماری در میانه سده نوزدهم، مطبوعات معماری رونق بیشتری گرفت.

36. Jacob Burckhardt

37. Heinrich Wölfflin

38. August Schmarsow

39. Giorgio Vasari

پیش از این، ناقدان معماری معمولاً همان نظریه پردازان و مورخان و استادان معماری بودند؛ اما از این زمان باز، رفته رفته کسانی پیدا شدند که کارشان نوشتن نقد معماری در مطبوعات بود. هم اینان را به تدریج «ناقد معماری»^{۴۰} خواندند.

۲-۱. نشریات معماری فرانسه در سده نوزدهم

در اوایل سده نوزدهم در پاریس چندین نشریه معماری منتشر می شد. بیشتر مقاله های آنها فنی، عملی، علمی، و درباره آثار مهندسان بود. بیشتر این نشریه ها منتقد نظام رسمی آموزش معماری بودند و قصد داشتند آموزش از طریق نشریه خود را جانشین مدارس معماری کنند؛ مثلاً مؤسس مجله ژورنال د'بیمان اذزار/مته^{۴۱} (مجله بناها و هنرها و صنعتها)، که در سال های ۱۸۳۱ و ۱۸۳۲ منتشر می شد، در نوشته های عیوب نهادهای رسمی آموزش معماری را فهرست و مجله خود را جانشینی مناسب برای آن اعلام کرد. مؤسس مجله لو پروپریته^{۴۲} (املاک)، که در سال های ۱۸۳۲-۱۸۳۴ منتشر می شد، مدرسه هنرهای زیبا (بوزار)^{۴۳} را عاری از معرفت و بلکه خائن بدان می خواند و هدف نشریه خود را تعمیق معرفت علمی و عملی معماری و هدایت موضوعات اجتماعی

40. architectural critic

41. Journal des bâtiments et des arts et métiers

42. La Propriété

۴۳. فرهنگستان هنرهای زیبا (Académie des Beaux-Arts) که بعداً، در سال ۱۸۶۳، مدرسه هنرهای زیبا (École des Beaux-Arts) نام گرفت.

می دانست (Saboya & Jannière).

در سال ۱۸۴۰، سزار دالی^{۴۴} (۱۸۱۱-۱۸۹۴) مجله روو ژنرال دو لار شیتکتور اذ تراوو پوبلیک^{۴۵} (بررسی کلی معماری و آثار عمومی) را منتشر کرد. این مجله دیرپا که انتشارش پنجاه سال پایید، آغازگر عصر زرین نشریات معماری در فرانسه بود. دالی معتقد بود وحدت میان معماران و سازندگان و همه اهل ساختمان، و پیوند معرفتی آنان، از میان رفته است. او در صدد بود معرفت های پراکنده را - از تاریخ و علم و زیبایی شناسی - گرد آورد و نشر دهد و از این راه، همه حرفه های مربوط به ساختمان را وحدت بخشد. مخاطب مجله او معماران، باستان شناسان، مهندسان، صنعتگران و صاحبان خانه ها بودند و نویسندگان از معماران، مجسمه سازان، نقاشان و استادان دانشگاه گرفته، تا زیورشناسان، اقتصاددانان، وکیلان، باغبانان و حتی نامه رسانان را شامل می شد. مطالب مجله در چهار بخش تاریخ و نظریه و عمل و مطالب ترکیبی سامان می یافت. قطع مجله رحلی بود و مناسب برای تصویر و نقشه. صفحه بندی آن نیز ویژه و دوستونه بود (Ibid.).

سزار دالی کوشید از امکانات دیگر مطبوعات نیز استفاده کند. او می دانست که پیایندهایی با ادوار نشر کوتاه تر، مانند هفته نامه، پویاتر است و می تواند وظایفی بر عهده بگیرد که از ماه نامه و فصل نامه بر نمی آید. از همین رو،

44. César Daly

45. Revue générale de l'architecture et des travaux publics

در سال ۱۸۷۶ نخستین هفته‌نامه معماری فرانسه را، به نام *سمن دکونستروکتور*^{۴۶} (هفته‌نامه ساختمان‌ساز) تأسیس کرد. این هفته‌نامه در قطع روزنامه‌ای با دوازده صفحه سه‌ستونه و با قیمتی ارزان منتشر می‌شد. لحن این نشریه هشداردهنده و نقادانه بود (Ibid.).

۲-۲. نشریات معماری انگلستان در سده نوزدهم

در نیمه نخست سده نوزدهم، تقریباً در همان هنگام که نشریات معماری رونق می‌گرفت و شمار آنها رو به فزونی می‌گذاشت، شرکت‌های بزرگ معماری در پایتخت‌های اروپا نیز پدید آمد. حرفه مدرن معماری رفته‌رفته قوام گرفت و نظام و سازوکاری منظم یافت و مؤسسات نظارتی و حمایتی و هدایتی معماری پدید آمد. از قدیم‌ترین این مؤسسات، مؤسسه سلطنتی معماران بریتانیا (ریبا)^{۴۷} است که در سال ۱۸۳۵ تأسیس شده و کار آن وضع قوانین معماری و نظارت بر حرفه معماری است. این مؤسسه در اواخر سده نوزدهم نشریه‌ای به نام *ریبا* منتشر کرد (Jenkins, 1968: 155-). که همچنان زنده است. در آن زمان، حدود هفتاد پیاپی تخصصی معماری در بریتانیا منتشر می‌شد که فقط سه تای آنها تا نیمه دوم آن سده پایید (Saboya & Janniére).

همه مهم‌تر *مجله بیلدر*^{۴۸} بود که آن را جرج گادوین^{۴۹} در ۱۸۴۲ پایه گذاشت. رویداد جالب در این مجله این بود که گادوین، همراه با همکار فرانسوی‌اش سزار دالی، در قالب پروژه‌ای مشترک در جهت بهبود وضع زندگی فرودستان، به موضوعاتی چون مسکن کارگران، شهرهای طبقه کارگر، و معماری خانگی برای طبقه کارگر پرداختند (Ibid.). این هردو معمار حرفه‌ای بودند؛ اما زندگی خود را وقف نوشتن درباره معماری کردند. آنان نشان دادند که نشریات معماری می‌توانند در امور اجتماعی مداخله کنند و تأثیر بگذارند.

در اواخر سده نوزدهم، شأن حرفه معماری از مرتبه پیشه‌ای در شمار پیشه‌های متعارف، به رشته‌ای دانشگاهی ارتقا یافته بود. *مجله مهم آرکیکتچرال ریویو فور آرتیست/اند کرفتس من*^{۵۰} (مرور معماری برای هنرمند و صانع) در سال ۱۸۹۰ در چنین اوضاع و احوالی منتشر شد. از همین‌روست که پرسش حرفه بودن یا هنر بودن معماری از موضوعات مورد بحث در این مجله بود (Jenkins, 1968: 159-160).

۲-۳. نشریات معماری امریکا در سده نوزدهم

در امریکا، نوشته‌های مطبوعاتی معماری نخست در نشریاتی مربوط به اصناف گوناگون (کشاورز و معمار

48. The *Builder*

49. George Godwin (1815- 1888)

50. Architectural Review for the Artist and Craftsman, Lodon (1896-)

46. *Semaine des constructeurs*

47. RIBA: Royal Institute of British Architects

و نجار) منتشر می‌شد که فعالیت‌های آنان را منعکس می‌کرد (Saboya & Jannièrè). نخستین نشریات تخصصی معماری در امریکا/امریکن بیلدر^{۵۱} (سازنده امریکایی، ۱۸۶۸) و مجله/امریکن آرکیٹکت اند بیلدینگ نیوز^{۵۲} (اخبار معماران و ساختمان امریکا، ۱۸۷۶) و آرکیٹکچرال ریویو^{۵۳} (مرور معماری، ۱۸۹۱) بود. این مجلات نوعاً قصد آموزش و جبران کمبود اطلاعات معماران و طراحان را نداشتند؛ مثلاً مقالات مجله/امریکن آرکیٹکت نوشته‌هایی ساده و در جهت تربیت ذوق معماری مردم و اصلاح معماری بود (Stephens, 1970: 134; Saboya & Jannièrè).

در سال ۱۸۹۱، مجله‌ای منتشر شد که نشانه‌ی تحولی در نشریات معماری امریکا بود: آرکیٹکچرال رکورد^{۵۴}، که برخلاف نشریات پیشین، حاوی مقالات تاریخی، شعر، داستان‌های دنباله‌دار، مقالات جدلی و انتقادی درباره‌ی معماری آن روزگار و مدهای زودگذر و موانع طراحی درست بود (Stephens, 1970: 134). از نویسندگان اصلی این مجله مونتگمری اسکایلر^{۵۵} بود که او را نخستین ناقد امریکایی معماری خوانده‌اند. از جمله نوشته‌های مهم او، یکی سلسله مقالاتی است با عنوان «انحرافات معماری»^{۵۶} که به مدت بیست سال بدون امضا منتشر

51. The American builder and journal of art, Chicago (1868-79)

52. American Architect and Building News (1876-1908)

53. The Architectural review, Boston (1891- 1921)

54. Architectural record

55. Montgomery Schuyler (1843-1914)

56. Architecture Aberrations

می‌شد و دیگری دو نامه‌ی سرگشاده‌ی طنزآمیز، خطاب به سردبیر مجله در نقد نکات مغفول در حرفه‌ی معماری (اتو، ۱۳۹۴: ۱۹۸-۲۰۲).

تا پایان سده‌ی نوزدهم، حرفه‌ی مدرن معماری در بیشتر اروپا و امریکا کاملاً قوام گرفته بود؛ رشته‌های دانشگاهی معماری تأسیس شده بود؛ سخن گفتن و نوشتن درباره‌ی معماری امری متعارف بود؛ و نقد نوشتن درباره‌ی معماری، علاوه بر آنکه همچنان و ناگزیر در دل تاریخ معماری و تئوری معماری ادامه داشت، جریان و صورتی مستقل نیز در نشریات معماری یافته بود. همه‌ی اینها مقدمات لازم را برای شکوفایی نقد در سده‌ی بعد آماده کرد.

۳. شکوفایی و افول نقد معماری

در سده‌ی بیستم، ناقدان معماری در سراسر مغرب‌زمین فراوان بودند. برخی از آنان مورخان معماری بودند که به نقد هم می‌پرداختند؛ برخی دیگر، نظریه‌پرداز و ناقد معماری بودند؛ و گروهی دیگر ناقد حرفه‌ای بودند. در این سده، جایگاه ناقد معماری و هویت حرفه‌ای او روشن‌تر شد. بخشی از این هویت به نشریات معماری برمی‌گشت؛ زیرا نسبت میان نشریات معماری با نقد معماری استوارتر و ماهوی‌تر شد. در این دوره، گویی محمل نشریات از عوامل تعیین هویت نقد شده بود؛ زیرا نوشته‌های درباره‌ی معماری را، فارغ از اینکه مخاطب یا نویسنده‌ی آن که باشد، یا حتی اندازه‌ی نوشته چقدر باشد، همین که حاوی ارزیابی و سنجشی

از آثار معماری باشد و در نشریات منتشر شده باشد، نقد معماری می‌خوانند. از محتوای مجموعه نشریات معماری، و حتی نوشته‌های معماری در نشریات غیرمعماری، پیداست که معماران و اندیشمندان و ناقدان معماری به تأثیر نشریات در مخاطبان امید بیشتری داشته‌اند؛ چندان که نشریات نه‌تنها محمل نقد معماری، بلکه جایگاه نشر بیانیه‌های جنبش‌های معماری سده بیستم هم بود (Özkan, 2005: 6). سیر دگرگونی و فراز و فرود آمدن نقد در این سده را می‌توان به پنج برهه تقسیم کرد: برهه فراز آمدن نشریات معماری و حمایت از جنبش معماری مدرن (۱۸۹۰-۱۹۳۰)؛ برهه ابهام در معماری مدرن و بحران جنگ (۱۹۳۰-۱۹۴۵)؛ برهه بازسازی پس از جنگ و معارضه در معماری مدرن (۱۹۴۵-۱۹۷۰)؛ برهه نقد و مبارزه برای تغییر (دهه ۱۹۷۰)؛ برهه بحران و فرود آمدن (۱۹۸۰-۲۰۰۰).

۳-۱. فراز آمدن نشریات معماری و حمایت از جنبش

معماری مدرن (۱۸۹۰-۱۹۳۰)

دهه آخر سده نوزدهم و دهه نخست سده بیستم، تا پیش از آغاز جنگ جهانی اول (۱۹۱۴) روزگار رونق اقتصادی و شکوفایی ساخت‌وساز در اروپا و آمریکا بود. به همین نحو، نشریه‌های معماری و ساختمان نیز افزایش یافت و رونق گرفت. در آلمان انتشار دهه نشریه معماری

و ساختمان ادامه یافت و چندین نشریه تازه تأسیس شد. در انگلستان و ایتالیا، برخی از مجلات معماری به جنبه‌های هنری معماری توجه بیشتری نشان دادند. این رونق و شکوفایی در فرانسه آن روزگار کمتر و در آمریکا، که از آتش جنگ اول برکنار مانده بود، بیشتر از دیگران بود. در آمریکا، این رونق تا رکود اقتصادی سال ۱۹۲۹ ادامه داشت. در آمریکای آن روزگار، معماری را اساساً فعالیتی اقتصادی می‌شمردند و نشریات معماری را محملی برای تبلیغات صنعت ساختمان و رسانه‌ای برای آموزش حرفه‌ای می‌دانستند (Saboya & Jannièrè)؛ مثلاً در مجله مهم *پنسل پوینتس*^{۵۷} (۱۹۲۰-۱۹۴۵)، مقالات آموزشی درباره رسم نقشه و پرسپکتیو، و مقیاس و تناسبات برای طراحان معماری منتشر می‌شد (Stephens, 1970: 133-134).

در پی بالا گرفتن کار جنبش مدرن در اواخر دهه ۱۹۲۰، نشریات تازه‌ای در اروپا منتشر شد که هدفشان دفاع از معماری مدرنیستی و ایجاد مقبولیت عام برای آن بود. مهم‌ترین این نشریات تا امروز نیز پاییده‌اند؛ مانند *دوموس*^{۵۸} (میلان، ۱۹۲۸-)، *کازابلانکا*^{۵۹} (خانه زیبا، میلان، ۱۹۲۸-)؛ *آرشی‌تکتور دو ژور دوویی*^{۶۰} (معماری امروز، پاریس، ۱۹۳۰-) (Saboya & Jannièrè). در آمریکا، برای حمایت از معماری مدرن نشریه‌ای جدید متولد نشد؛ اما

57. Pencil points (1920-1943)

58. Domus

59. La Casa Bella/ Casabella

60. L'Architecture d'aujourd'hui

محتوای مجله‌های مهمی چون *آرکیته‌چرال رکورد* و *امریکن آرکیته‌کت* در این جهت تغییر یافت. رکود بزرگ اقتصادی امریکا در سال ۱۹۲۹ موجب تغییراتی بنیادی در فعالیت حرفه‌ای معماری، و در نتیجه در محتوای نشریات معماری شد و این نشریات، بیشتر به موضوعاتی چون طراحی شهری و منطقه‌ای، سکونت، صنعتی شدن، و برنامه‌های دولت در زمینه شهر و معماری و مسکن پرداختند (Ibid.).

۳-۲. ابهام در معماری مدرن و بحران جنگ (۱۹۳۰-)

(۱۹۴۵)

در دهه ۱۹۳۰، با قوت گرفتن ملی‌گرایی در بیشتر کشورهای اروپایی و ظهور فاشیسم در ایتالیا و نازیسم در آلمان و دیکتاتوری استالین در اتحاد شوروی، آزادی نشریات محدود شد؛ نشریات گرفتار ممیزی شدند؛ و این محدودیت‌ها در نقد معماری نیز اثر کرد. به علاوه، این حکومت‌ها نشریات معماری وابسته به خود را نیز تأسیس کرده بودند و به ترویج هنر و معماری و زیبایی‌شناسی بر پایه ایدئولوژی‌های خود می‌پرداختند. از جمله آنهاست نشریه *آرخیته‌کتور*^{۶۱} (معماری، مسکو، ۱۹۱۷-۱۹۸۷) - متعلق به انجمن معماران اتحاد جماهیر شوروی^{۶۲} - و مجله *آرکیته‌کتورا/اثراته دکوراتیو*^{۶۳} (معماری و هنرهای

تزیینی، رم) که از ۱۹۲۷ ترجمان اتحادیه ملی معماران فاشیست^{۶۴} شده بود (Saboya & Jannièrè).

نشریاتی که در دهه ۱۹۲۰ برای دفاع از جنبش معماری مدرن تأسیس شده بود، رفته‌رفته و به‌عمد، اصطلاح «معماری مدرن» را به جای «معماری نو» به کار بردند تا آرمان‌های این جنبش و زبان و اصطلاحات آن را به منزله اصل و حقیقت معماری مطلوب نو ترویج کنند. آنان معماری مدرن را چون کلی واحد عرضه می‌کردند؛ اما در واقع، چنین کل منسجمی وجود نداشت و معماری مدرن امری متکثر و نامنسجم و مبهم بود. به همین جهت، معیاری روشن و معین، به منزله معیار مدرنیستی، برای نقد آثار معماری نو در دست نبود و تحقق نقد مدرنیستی معماری دشوار بود. هر یک از نشریات معروف معماری می‌کوشید با افزودن کلماتی به ترکیب «معماری مدرن»، آن را مشخص‌تر کند و معیاری برای نقد به‌دست دهد؛ و همین خود بر آشفتگی افزود. مثلاً نویسندگان *موس* می‌گفتند که معماری مدرن حقیقی، معماری «لاتینی» است؛ *کازابلا* معماری خردباورانه شمال اروپا و آلمان را نمونه معماری مدرن می‌شمرد؛ و *آرشیته‌کتور دوژور دویی* معماری سبک جهانی را معماری مدرن می‌دانست. به همین دلیل است که نقد معماری از زمان ظهور جنبش آرنوو^{۶۵} تا دهه ۱۹۴۰ افول کرد و در این برهه، نقد

64. Sindacato nazionale fascista architetti (The Fascists National Union of Architects)

65. Art Nouveau

61. Архитектура СССР

62. Союз архитекторов СССР (the Union of Architects of the USSR)

63. Architettura e arti decorative (1921-1931)

واقعی معماری مجال ظهور نیافت (Jannièr, 1999). نمونه تحقیق نیافتن یا افول نقد معماری در این نشریات، نوشته‌های مجله آرشیکتور دوژور دویی درباره معماری مدرن است. این نوشته‌ها، که قرار بود ناقدانه باشد، در قالب ویژه‌نامه‌های موضوعی مجله عرضه می‌شد. این ویژه‌نامه‌ها حاوی چند مقاله عمومی و فقط اندکی مقاله در تحلیل بناها بود. از ۱۹۳۵ به بعد، مقالات مجله به گونه‌شناسی معماری یا نوآوری‌های فنی ساختمان محدود، و نوشته‌های تحلیل و نقد بناها کمتر و کمتر شد و سخن سنجش‌گرانه درباره بناها جای خود را به مستندنگاری‌های مصور داد (Ibid.). نوشته درباره آثار جدید معماری معمولاً در جهت تحسین معماران مشهور و تبلیغ آنان بود. مجلات برای اینکه از تصاویر و مدارک و اطلاعات طراحی بناها محروم نشوند، از نقد بی‌پروایانه این معماران پرهیز می‌کردند. یگانه استثنا بر اینها مقاله‌هایی تحلیلی درباره آثار معماری نوشته چارلز هربرت رایلی^{۶۶} (۱۸۷۴-۱۹۴۸) است با عنوان بی‌سابقه «نقد معماری» که حاوی نظر او درباره بناهای تازه، بدون پروای شهرت معماران آنها، بود. این سلسله مقاله‌ها در مجله آرکیکتچرال ریویو منتشر می‌شد (Rowshan, 1998: 81).

در ایتالیای بین دو جنگ جهانی، اندیشه‌های بندتو کروچه^{۶۷} (۱۸۶۶-۱۹۵۲)، فیلسوف و مورخ، در نقد و

تاریخ معماری اثر گذاشت و موجب تقویت پیوند این دو شد. از این رو بود که از آن پس نیز پیوند نقد معماری و تاریخ معماری در ایتالیا استوار ماند؛ جریانی که نقد معماری را نه نقدی هنری درباره تک‌اثر، بلکه نقدی مبتنی بر تفکر انتقادی و تاریخ انتقادی شمرده است، در ایتالیا بالید و قوت گرفت (Jannièr, 2010: 50).

برجسته‌ترین ناقد معماری در امریکای این برهه لوئیس مامفورد^{۶۸} (۱۸۹۵-۱۹۹۰) است. او به مدت بیش از سی سال (۱۹۳۱-۱۹۶۳) در هفته‌نامه پرشمارگان نیویورکر^{۶۹} ستونی ثابت با عنوان «افق»^{۷۰} داشت که در آن برای مخاطبان متخصص و غیرمتخصص، درباره معماری و توسعه شهری در امریکا می‌نوشت (اتو، ۱۳۹۴: ۲۴۶). از نقدهای تند او نقد برج کرایسلر^{۷۱}، بلندترین برج نیویورک در دهه ۱۹۳۰، است که آشکارا آن را پوچ خواند (استیونز، ۱۳۷۸: ۹).

۳-۳. بازسازی پس از جنگ و معارضه در معماری مدرن (۱۹۴۵-۱۹۷۰)

پایان جنگ جهانی دوم و مواجهه با ویرانی‌های گسترده آن در سرتاسر اروپا، طبعاً اروپاییان را به بازنگری در معماری و وظیفه آن واداشت: دیگر نه تنها وظیفه اصلی معماری را بازسازی سریع محیط می‌دیدند، بلکه

68. Lewis Mumford

69. The New Yorker

70. Horizon

71. Chrysler Tower

66. Charles Herbert Reilly

67. Benedetto Croce

بود (اتو، ۱۳۹۴: ۲۵۰). نمونه دیگر نقد در مجلات این روزگار انگلستان، سلسله مقالات جی. ام. ریچاردز^{۷۵} در مجله *آرکیٹکٹس جورنال*^{۷۶} (مجله معماران) است. انتشار این مقالات از ۱۹۵۷ آغاز شد و نخستین این مقالات، صرفاً حاوی وصف و نقد ساده یک بنا همراه با تصویر بود؛ اما قالب آن رفته رفته تغییر یافت و در نهایت به چنین ترکیبی بدل شد: نقد ریچاردز درباره یک بنا، توصیف‌ها، تصاویری کامل از بنا، برنامه کالبدی طرح، نیات و اقوال طراح، واکنش‌های بهره‌برداران، نظر دیگر خوانندگان (همان: ۲۴۰-۲۴۹).

در امریکا، برخی از نشریات هم به حمایت از جنبش مدرن، به شیوه گذشته، ادامه دادند؛ از جمله آنها، نشریه امریکایی *پراگرسیو آرکیٹکچر*^{۷۷} است که از سال ۱۹۴۶، مراسم اعطای جایزه‌ای سالیانه^{۷۸} برای تشویق طراحی معماری مدرن برگزار کرد (Stephens, 1970: 135). به علاوه، این مجله از همان سال به انتشار مقالاتی ناقده درباره طرح‌ها - حاوی نظر داوران، دفاع طراحان، و واکنش بهره‌برداران بناها - و نیز داوری نویسندگان نقد و عرضه چاره‌های طراحی در آن موضوعات می‌پرداخت (اتو، ۱۳۹۴: ۲۴۹). علاوه بر لوئیس مامفورد - که در باب پیش از او یاد کردیم و در این دوره همچنان از مهم‌ترین ناقدان معماری در امریکا بود - ناقد برجسته دیگری در امریکا ظهور

جنگ ویرانگر موجب دگرگونی‌های بنیادی در اندیشه درباره معماری و داوری و نقد آن هم شده بود. آنچه در اولویت معماری قرار داشت صنعتی کردن ساخت بنا، پیش‌سازی و استانداردسازی معماری، معماری شهری، شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، و ساخت مسکن انبوه بود (Saboya & Jannièrè). از دهه ۱۹۵۰، بحث‌هایی درباره امکان استمرار جنبش مدرن پیش آمد؛ چندان که گویی مبانی پیشین تاب مقاومت در اوضاع تازه را نداشت. بسیاری از نشریات معماری به جستن بنیادهایی تازه برای تقویت جنبش مدرن برآمدند. از نمونه‌های نوشته‌های ابتکاری در نقد معماری در این برهه، ویژه‌نامه‌هایی است که مجله *آرکیٹکچرال ریویو* در انگلستان منتشر می‌کرد؛ مثلاً ویژه‌نامه این مجله در سال ۱۹۵۰ با عنوان *امریکای ساخته انسان*^{۷۲} درباره رشد مهارنشده شهرهای بزرگ در امریکای پس از جنگ و چاره‌های آن (اتو، ۱۳۹۴: ۲۴۸)؛ و ویژه‌نامه دیگری با عنوان *تخطی*^{۷۳} در نقد وضع شهرنشینی در انگلستان، که بسیار مقبول افتاد (Erten). نقد اقدامات شهری در انگلستان در این مجله با ویژه‌نامه دیگری در ۱۹۵۷ به نام *پاتک*^{۷۴} ادامه یافت که هدف آن جلب توجه مردم به خراب‌کاری‌هایی چون تخریب بناهای کهن، تعریض نابجای خیابان‌ها و طراحی نادرست بناها

75. James Maude Richards

76. The Architects' Journal

77. Progressive Architecture (1945-1995)

78. The Annual Progressive Architecture Award

72. Man made America; a special number of the Architectural Review

73. Outrage

74. Counterattack

کرد: ایدا لوئیز هاکستبل^{۷۹} (۱۹۲۱-۲۰۱۳). گفته‌اند هاکستبل نخستین ناقدی است که موفق شد معماری را وارد گفتگوی عمومی کند (Dunlap, 2013). او نخستین ناقد حرفه‌ای تمام‌وقت معماری است؛ نقدهایش را طی سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۸۲ در روزنامه عمومی نیویورک تایمز^{۸۰} منتشر می‌کرد؛ چندان که آن را به مرجع بی‌چون و چرای معماری آن روزگار بدل کرد. هاکستبل در ۱۹۶۸ موفق به دریافت تقدیرنامه کانون معماران امریکا برای نقدهای خود و در ۱۹۷۰ موفق به دریافت جایزه نقد پولیتسر^{۸۱} برای مقاله «طرح‌های ترافیکی شهرداری برخی مناطق مرکزی شهر را زمین‌گیر خواهد کرد» شد (اتو، ۱۳۹۴: ۱۷۸ و ۲۴۴).

ناقد مؤثر دیگر در امریکای این برهه، جین جیکس^{۸۲} (۱۹۱۶-۲۰۰۶) است که او را مؤثرترین ناقد شهری و کنشگر اجتماعی آن روزگار خوانده‌اند (Lange, 2012: 159). نوشته‌ها و فعالیت‌های جیکس تأثیر عملی شگرفی در امریکا گذاشت؛ از جمله لغو احداث آزادراهی در منهتن، لغو برنامه پاکسازی شهر از حاشیه‌نشین‌ها، و لغو تخریب پارکی در واشنگتن. کتاب او به نام مرگ و حیات شهرهای بزرگ امریکا^{۸۳} (۱۹۶۱) نیز صورتی غیررسمی از نقد معماری است (Ibid., 161).

79. Ada Louise Huxtable

80. New York Times

81. Pulitzer Prize

82. Jane Jacobs

83. The Death and Life of Great American Cities (1961)

۳-۴. نقد و مبارزه برای تغییر (دهه ۱۹۷۰)

دگرگونی‌های بنیادین فرهنگی و جنبش‌های اجتماعی و سیاسی که از دهه ۱۹۶۰ سرتاسر جهان را فراگرفته بود، در دهه ۱۹۷۰ بالا گرفت و دامنه‌اش به معماری و نشریات آن رسید. نشریات اروپایی از پشتیبانی معماری مدرن و برنامه‌های شهرسازی پس از جنگ دست کشیدند و به نقدهای ساختارگرایانه و اجتماعی معماری، متأثر از جنبش‌های اجتماعی و مارکسیسم، پرداختند. این جریان‌ات در نشریات مهم معماری، مانند *کازابلانکا*، *دموس* و *آرکی‌تکچرال دیزاین*^{۸۴} نفوذ کرد. نشریات معماری تازه‌ای هم، با تعهدات سیاسی و اجتماعی بیشتر، پدید آمدند که بهره‌برداران آثار معماری را به مشارکت در مبارزه‌های شهری فرامی‌خواندند (Saboya & Jannièrè).

پیوند میان نشریات معماری و رویکردهای نقادانه سیاسی و اجتماعی که بدین نحو در نشریات معماری اروپا رخ نمود، در امریکا چندان ظهوری نداشت؛ حتی از دهه ۱۹۷۰ به بعد، بروز دیدگاه‌های انتقادی اجتماعی معماری در این نشریات افول یافت. در عوض، در امریکا اتفاقی دیگر رخ داد که در تاریخ نقد معماری بسیار مهم است: گونه تازه‌ای از نشریات معماری پدید آمد که پایگاه آنها دانشگاه بود و محتوای آنها اساساً با نشریات حرفه‌ای و تبلیغاتی تفاوت داشت. در این نشریات نیز به نقد معماری می‌پرداختند؛ اما با محتوا و لحنی متفاوت با نقد رایج در نشریات حرفه‌ای یا عمومی. بدین نحو، نوعی تازه

84. Architectural Design (1930-)

از نقد معماری پیدا شد که با نقد روزنامه‌ای تفاوت داشت و رنگ نظری آن قوی‌تر بود. نقد دانشگاهی معماری با نوعی تاریخ انتقادی یا نظریه انتقادی همراه بود و پای آن به مباحث نظری مستقل از حرفه می‌کشید. علاوه بر این، نقد پیکره نظری معماری (به‌جای نقد تک‌اثرها) و نیز اندیشیدن درباره خود نقد معماری و بنیادهای نظری و روش‌شناسی آن، به مجموعه نوشته‌های معماری افزوده شد (Jannièr, 2010: 46؛ استیونز، ۱۳۷۸: ۱۱)؛ از جمله این نشریات می‌توان از *پوزیشنز*^{۸۵} (نیویورک، ۱۹۷۳-۱۹۸۴)، *هاروارد آرکیټکچر ریویو*^{۸۶} (کیمبریج، ماساچوست، ۱۹۸۰-۱۹۹۸)، *اسمبلج*^{۸۷} (کیمبریج، ماساچوست، ۱۹۸۶-۲۰۰۰) و *ای/ان‌وای مگزین*^{۸۸} (نیویورک، ۱۹۳۰-۲۰۰۰) یاد کرد.

هدف بانیان این نشریات، به‌ویژه *پوزیشنز*، ایجاد و تحکیم پیوند میان نقد و تاریخ و تئوری معماری از طریق «نهادن ریشه‌های نقد در تاریخ» و ترویج تاریخ نقدی معماری بود (Jannièr, 2010: 46). به تدریج، به‌ویژه در *مجله/اسمبلج*، علاقه به تاریخ نقدی و بررسی «درزمانی»^{۸۹} معماری، جای خود را به بررسی نسبت میان معماری و رشته‌های دانشگاهی و فرهنگی و

پژوهش‌های «هم‌زمانی»^{۹۰} معماری داد. مایکل هیز،^{۹۱} پایه‌گذار *اسمبلج* (متعلق به دانشگاه ام‌آی‌تی)، و همکارانش به لزوم پیوند میان عمل معماری و تفکر نظری اعتقاد نداشتند و هدفشان از انتشار این مجله، تدوین تاریخ مفهومی معماری و دگرگون کردن تعریف‌های معمول نظری بود (Ibid., 44). به همین نحو، *ای/ان‌وای مگزین* در پی سست کردن پیوند میان نقد و حرفه، روشن کردن نسبت میان اندیشه و نقد معماری با رشته‌های علوم انسانی، و تبیین نظری پایان جنبش مدرن بود (Saboya & Jannièr).

۳-۵. بحران و فرود آمدن نقد (۱۹۸۰-۲۰۰۰)

شمار نشریات معماری در اروپا و آمریکا در نیمه دوم سده بیستم به حدی افزایش یافت که بنا بر شمارش سال ۱۹۸۶، به ۱۱۹۹ عنوان در ۵۳ کشور رسید (Rowshan Bakhsh, 1998: 79). اما این افزایش کمی با افزایش نوشته‌های نقد معماری همراه نبود و این‌گونه نوشته‌ها در دو دهه آخر این سده، به‌جز در نشریات دانشگاهی آمریکا و مطبوعات اسپانیا، کاهش یافت (Saboya & Jannièr). به نظر جیمز مارستن فیچ^{۹۲} (۱۹۰۹-۲۰۰۰)، معمار و مرمتگر آمریکایی، در سال ۱۹۸۲، هرگز وضع نقد معماری چنین وخیم نبوده است (Fitch, 1998: 114)؛ و به نظر سوزان

85. Oppositions: Journal for Ideas and Criticism in Architecture

86. The Harvard Architecture Review

87. Assemblage

88. ANY Magazine

89. synchronic

90. diachronic

91. K. Michael Hays

92. James Marston Fitch

مؤخره

استیونز، معاون سردبیر *آرکیتهکچرال رکورد*، در مقاله «ارزیابی وضعیت نقد معماری در مطبوعات امروز» (۱۹۹۸)، خوانندگانی که چشم به راه خواندن نقد مباحث معماری در مطبوعات در تعطیلات آخر هفته‌اند، چیزی جز آگهی‌های عتیقات و اشیای هنری نصیبشان نمی‌شود (استیونز ۱۳۷۸، ۹). مارتین پاولی^{۹۳} (۱۹۰۸-۲۰۰۸)، ناقد انگلیسی معماری، در سال ۲۰۰۷ مرگ نقد را اعلام کرد (Pawley, 2007: 330)؛ و الگزاندرا لنج^{۹۴} پیش‌بینی کرده بود که تا سال ۲۰۱۰، حرفه ناقدی معماری برافتد (Fisher, 2011).

آغاز نقد معماری را کتابی مفصل در وصف و ارزیابی معماری در پاریس سال

۱۷۵۲ دانسته‌اند. پس از آن، نقد معماری علاوه بر کتاب‌های مربوط به تاریخ معماری و تئوری معماری، در نشریات هنری یا نشریات مهندسی منتشر می‌شد. نخستین نشریات تخصصی معماری در اواخر سده هجدهم در آلمان، و سپس فرانسه و انگلستان منتشر شد. هدف اصلی این نشریات، افزایش دانش معماران مردم و پرورش ذوق عمومی معماری بود. قسمتی از نوشته‌های این نشریات به آثار معماری و ارزیابی آنها اختصاص داشت که نخستین نقدهای مطبوعاتی

93. Martin Pawley

94. Alexandra Lange

معماری شمرده می‌شود. نقدها را استادان و مورخان و نظریه‌پردازان معماری و معماران حرفه‌ای می‌نوشتند و هنوز کسی پدید نیامده بود که بتوان او را ناقد معماری خواند.

با پدید آمدن و قوام گرفتن حرفه مدرن معماری در سده نوزدهم و رونق گرفتن این حرفه و تأسیس شرکت‌های بزرگ ساختمانی، نشریات حرفه‌ای از لحاظ مالی به این شرکت‌ها وابسته شد و مخاطب آنها، اهل حرفه و محتوای آنها، مسائل مربوط به فن معماری و ساختمان بود. در همان زمان، نوشته‌های نقد معماری نیز، چه در مطبوعات و چه کتب، افزایش یافت. نقد معماری در این دوره از نوشته‌های ادیبانه راسکین، نوشته‌های خردباورانه و بوله لودوک، تحلیل‌های سبک‌شناختی و لفلین، تا یادداشتهای جدلی درباره مسائل روز معماری را در برمی‌گیرد.

در سده بیستم، پیوند میان نقد معماری و نشریات معماری قوت گرفت و رفته‌رفته نقد معماری با محل بروز آن، یعنی نشریات عمومی یا تخصصی، شناخته شد. ناقدان معماری کوشیدند بحث درباره معماری را از طریق مطبوعات به میان جامعه بکشند. در اوایل سده بیستم، نشریات معماری و نقدهایی که در آنها منتشر می‌شد، غالباً در حمایت از جنبش معماری مدرن بود. بحران نظری معماری مدرن، خود موجب بحران در نقد معماری شد و به آشفتگی آن دامن زد. این بحران پس از

مدتی موجب شد نقد معماری به مستندنگاری معماری تبدیل شود. در مقابل، جریان‌هایی در نقد معماری در ایتالیا پدید آمد که نقد معماری را نه سخنی ادبی یا فنی دربارهٔ تک‌اثرهای معماری، بلکه سخنی در تراز تاریخ و تئوری معماری و هنر می‌شمرد.

با بروز جنگ جهانی دوم، نقد معماری افول کرد. با پایان جنگ، و طلب عمومی بازسازی ویرانی‌های گستردهٔ جنگ در اروپا، نگرش به معماری و نقد معماری دگرگون شد و به پروژه‌های بازسازی، انبوه‌سازی، تولید صنعتی و پیش‌سازی، و طراحی و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای معطوف گردید. در دههٔ ۱۹۶۰، کسانی پیدا شدند که می‌توان آنها را ناقد حرفه‌ای معماری خواند. در این روزگار، بیشتر سخن معماری در نشریات در جهت تقویت معماری مدرنیستی و دفاع از آن بود.

تردید در معماری مدرن، بنیادها و پیامدهای آن از حدود سال ۱۹۷۰ آغاز شد. در آمریکا، با تأسیس مجلات تخصصی در برخی از دانشکده‌های معتبر معماری، نقد معماری با نظریه‌های انتقادی و دیگر حوزه‌های علوم انسانی پیوند یافت و رفته‌رفته از نقد به اندیشیدن دربارهٔ نقد منتقل شد. بدین نحو، نقد معماری از حرفهٔ معماری فاصله گرفت و به سخنی دانشگاهی بدل گردید. از دهه‌های آخر سدهٔ بیستم و اوایل سدهٔ حاضر، نقد معماری آن‌چنان افول کرده است که برخی از دانشوران به مرگ آن گواهی داده‌اند.

مرور تاریخ نقد معماری نشان می‌دهد که این حوزه از آغاز تا کنون، در معرض دگرگونی‌هایی در موضوع و مخاطب و محل و پایگاه فکری بوده است. در آغاز، موضوع نقد، تک‌بناها و مخاطب آن، متخصص معماری؛ محل آن، کتاب‌های مفصل و مصور و پایگاه نظری آن، نقد هنر در فرانسه بود. با ظهور نشریات معماری، عموم مردم نیز به مخاطبان نقد اضافه شدند و آموزش عمومی از اهداف نقد شمرده شد. در سدهٔ نوزدهم، نقد معماری به جامعهٔ حرفه‌ای و شرکت‌های ساختمانی نزدیک‌تر شد و مخاطب آن نیز خود جامعهٔ حرفه‌ای بود. نقد معماری به تدریج از نقد هنر فاصله گرفت و به حرفهٔ معماری نزدیک‌تر شد. با ظهور نقد متکی بر نظریه‌های انتقادی در ایتالیا و سپس آمریکا، نقد به تاریخ و تئوری معماری نزدیک‌تر شد. این مسیر نهایتاً به تأسیس حوزه‌ای تازه در نقد انجامید که می‌توان آن را نقد دانشگاهی معماری خواند.

چنان‌که دیدیم، نقد معماری پس از نزدیک به سه سده فراز و فرود، اکنون به انحطاط افتاده است. اگرچه نقد دانشگاهی معماری و گفتگوی دانشگاهی دربارهٔ نقد و مبانی و روش‌شناسی آن همچنان گرم و شکوفاست، خود نقد معماری - که محل اصلی آن، مطبوعات عمومی و نشریات تخصصی معماری است - افول کرده است؛ چندان که برخی به مرگ آن گواهی داده‌اند. جستن علل این وضع و یافتن چاره و علاج آن نیازمند پژوهش‌های

دیگری است؛ اما از مرور تاریخچه نقد می‌توان دربارهٔ این علل و اسباب حدس‌هایی زد. شکاف افتادن بین اهل نظر و اهل حرفه، فاصله گرفتن نقد دانشگاهی از نقد حرفه‌ای، سست شدن اعتبار معرفت‌های انسانی به‌واسطهٔ فلسفه‌های پسامدرن، ناستواری پیوند میان نقد و اندیشهٔ معماری با دیگر حوزه‌های علوم انسانی، مقاومت معماران حرفه‌ای در برابر اندیشیدن دربارهٔ معماری، فعالیت‌های مجلات تبلیغاتی معماری در منحصر نشان دادن معماری به آثار معماران مشهور، وابستگی بیش از پیش مطبوعات خصوصی معماری به سرمایه‌داری و مطالبات و بحران‌های آن، و کم‌اعتنایی به پروژه‌های نیمه‌کارهٔ ایجاد پیوند میان نقد معماری و تاریخ معماری و اندیشهٔ انتقادی، از جملهٔ این حدس‌هاست.

اتو، وین (۱۳۹۴)، *معماری و اندیشه نقدانه*، ترجمه: امینه انجم‌شعاع، تهران: فرهنگستان هنر.

ادمز، لاری اشنایدر (۱۳۹۵)، *درآمدی بر روش شناسی هنر*، ترجمه: شهریار وقفی‌پور، تهران: مینوی خرد.

استیونز، سوزان (۱۳۷۸)، «ارزیابی وضع نقد معماری در مطبوعات امروز»، ترجمه: د. سمرقند، معمار، شماره ۲.

قاسمی، سید فرید و یونس شکرخواه (۱۳۹۰)، *تاریخ مطبوعات ایران: به انضمام پیشینه مطبوعات جهان*، تهران: ثانیه

قره‌باغی، علی‌اصغر (۱۳۸۰)، «هنر نقد هنری: تبارشناسی نقد هنری (۱)»، *ماهنامه گلستانه*، شماره ۳۰، شهریور، صص ۴۵-۳۶.

قیومی بیدهدی، مهرداد و فاطمه گلدار (۱۳۹۴)، «تاریخ هنر بر محور هنرمند در دو جهان: بدایت تاریخ هنر در مغرب‌زمین و ایران‌زمین»، *دوفصلنامه مطالعات تطبیقی هنر*، شماره ۹، بهار و تابستان، صص ۱۲-۱.

کالینز، پیتر (۱۳۷۵)، *تاریخ تئوری معماری: دگرگونی آرمان‌ها در معماری مدرن*، ترجمه: حسین حسن‌پور، تهران: قطره.

کشمیرشکن، حمید (۱۳۹۶)، *درآمدی بر نظریه و اندیشه انتقادی در تاریخ هنر*، تهران: چشمه.

Collins, Peter (1971), *Architectural Judgement*, Montreal: McGill-Queen's University Press.

_____ (1967), *Changing Ideals in Modern Architecture, 1750-1950*, Montreal: McGill-Queen's University Press.

_____ (1965), "The Interrelation Roles of History, Theory and Criticism in the Process of Architecture". In Whiffen (ed.), *The History, Theory and Criticism of Architecture*, Cambridge: The MIT Press.

Devillard, Valérie, and Hélène Jannièrè (n.d.), "CRITIQUE ARCHITECTURALE", In *Encyclopædia Universalis [En Ligne]*.

<<http://www.universalis.fr/encyclopedie/critique-architecturale>>. [Accessed January 4, 2019].

Dunlap, David W. (2013), "Ada Louise Huxtable, Champion of Livable Architecture, Dies at 91", *New York Times*.

<<https://nyti.ms/Wqwjm7>>. [Accessed August 14, 2019].

Erten, Erdem (n.d.), "Mobilizing the Nation via Architectural Criticism: The Architectural Review 'Outrage' and "Counterattack"".

<<https://mac.hypotheses.org/erdem-erten>>. [Accessed August 14, 2019].

Fisher, Thomas (2011), "The Death and Life of Great Architecture Criticism", In *Places Journal*.

<<https://doi.org/10.22269/111201>>. [Accessed 22 Nov 2016].

Fitch, James Marston (1982), "Physical and Metaphysical in Architectural Criticism", *Architectural Record*, 170 (10), 114-119.

- Forty, Adrian (2004), *Words and Buildings: A Vocabulary of Modern Architecture*, New York: Thames & Hudson.
- Janni re, H l ne (2010), "Architecture Criticism: Identifying an Object of Study", Translated by Michael Jameson, *OASE Journal for Architecture*, 30(81), 33-55.
- _____ (1999), "Les Difficult s de La Critique Dans Les Ann es 1930 : Discours Critique Des Revues et D finitions de L'architecture Moderne", Actes Du Ve Congr s National D'arch ologie et D'histoire de L'art.
- <<http://journals.openedition.org/inha/2344>>. [Accessed August 14, 2019].
- Jenkins, Frank (1968), "Nineteen-Century Architectural Periodicals", In John Summerson (ed.), *Concerning Architecture: Essays on Architectural Writers and Writing Presented to Nikolaus Pevsner*, London: Allen Lane.
- Kindler, Roger A. (1974), "Periodical Criticism 1815-40: Originality in Architecture", *Architectural History*, 17, 22-37.
- Kruft, Hanno-Walter (1994), *A History of Architectural Theory: From Vitruvius to The Present*, New York: Princeton Architectural Press.
- Lange, Alexandra, and Jeremy M. Lange (2012), *Writing About Architecture: Mastering the Language of Buildings and Cities*, New York: Princeton Architectural Press.
-  zkan, S ha (2007), "Foreword". *Architectural Criticism and Journalism*, Turin: Umberto Allemandi.
- Pawley, Martin (2007), "Strange Death of Architectural Criticism", In David Jenkins (ed.), *Strange Death of Architectural Criticism: Martin Pawley Collective Writings*, London: Black Dog Architecture.
- Philipp, K. J. (1997), *Um 1800: Architekturtheorie Und Architekturkritik in Deutschland Zwischen 1790 Und 1810*, Stuttgart: Edition Axel Menges.
- Rowshan Bakhsh, Hossein (1998), "The Influence of a Holistic Tendency on Articles of Criticism in Architectural Journals: 1935-1940 and 1990" (Ph. D. diss., University of New South Wales).
- Saboya, Marc, and H l ne Janni re (n.d.), "Architecture Revues D'", *Encyclop dia Universalis [En Ligne]*. <<http://www.universalis.fr/encyclopedie/revues-d-architecture>>. [Accessed March 4, 2019].
- Stephens, Suzanne (1970), "Architectural Journalism Analyzed: Reflection on a Half Century", *Progressive Architecture* (50), 132-139.

2

Summer 2019

Pazhouhesh Nameh - e Farhangestan - e Honar

Research Journal of the Iranian Academy of Arts

Quarterly , vol II. No.2

Mohammad Shahba-Abolhassan Derakhshandeh/ The Characteristics of the New
Surrealism in Cinema through A Glance at the Work of David Lynch

Ali Abbaasi/ A Study of the Narrative Structure of *Shahrokh*: A Manifestation of the
Cultural Myth of 'Horr'

Mehrdad Qayyoomi Bidhendi-Motahareh Danaeifar/ The Concept of Architectural
Criticism: Historical Developments and Types

Ali Asqar Mirzaeimehr/ A Criticism of Art Researchers' Approach towards the Qajar
Art of 13th –15th (AH) Century (with a Focus on Painting)

Kayvan KhalilNezhad/ A Re-Reading of the Picture of Modern Art as Drawn up
in the 1950s and 60s Press

Bahman Namvar Motlagh-Leila Isavand/ A Transtextual Study of Abraham's Sacrifice :
Rembrandt and Farshchian Paintings
